
بخش پنجم

راکش ارامنه. کمیته حزب داشناک. ترورهای انفرادی)

قتل عام ارامنه در عثمانی ، از بسیاری جهات شبیه قلع و قمع یهودیان در دوران فاشیسم و آلمان هیتلری است. همان تعصبات نژادی و برتری طلبی ، همان قساوت و خشونت و بالاخره همان سرعت و دقتی که چون يك ماشین الکترونیک با نظم کامل ، کار را آغاز کرده و پایان می‌رساند. چند سال پیش ، از طرف چند نویسنده فرانسوی ، تز تازه‌ای درباره کشتار یهودیان عنوان شد و آن اینکه :

- آنها شما را می‌کشتند ، شما چرا بسادگی تن بمرگ می‌دادید... ؟ آنها کشتارگاه ساخته بودند ، شما چرا مثل گل‌های گوسفند روانه کشتارگاهها می‌شدید..؟ چرا شش میلیون انسان باید آتقدر ضعف و بی‌تفاوتی از خود نشان دهند که بدست افرادی معدود ، بکوره‌های آدم‌سوزی و اطاقهای گاز سپرده شوند؟..

طراحان این «تز» اضافه می‌کنند که آیا آن خسیصه «حب حیات» بهر قیمتی که باشد - و گفته می‌شود که در قوم یهود ، بیشتر از همه اقوام دیگر است ، باعث نشد تا یهودیان فقط بامید زنده ماندن - حتی در شرایط غیرانسانی اردوگاههای مرگ - نه به‌نبرد با دژخیمان برخیزند و نه خود رشته حیات خویشان را بگسلند؟..

شما که صفحات این کتاب را تا اینجا مرور کرده‌اید. قطعاً در مورد ارمنیان نیز ، با چنین پرسشهایی روبرو شده‌اید :

چرا ارامنه واکنشی در قبال این کشتارها نشان ندادند و اگر دادند چگونه بود؟..

حقیقت اینست که در این مورد کاملاً حق بجانب شما خواننده پژوهشگر است. اما از این نکته نیز نباید غافل بود، که معمولاً اینگونه دستگاههای آدمکشی با دقت و ظرافت و با طرحهای پیشبینی شده، عمل می‌کنند. کما اینکه نخست مردان و جوانان ارمنی را به بهانه خدمت نظام از میدان خارج ساختند تا احتمال هرگونه واکنش مؤثری از میان برود، چنانکه هیتلریها نیز در مورد یهودیان همین کار را کردند.

دیگر اینکه برنامه با دقت بسیار و مرحله به مرحله جلو می‌رفت. طبیعی است اگر ارمنیان می‌دانستند که پایان کارشان چه خواهد بود، از همان آغاز، عکس‌العمل نشان می‌دادند.

با همه اینها قتل‌عام ارمنه، چندان هم بدون عکس‌العمل نماند. مقاومتهای پراکنده، ترورهای انفرادی و اقدامات متشکلی که در آن دوران صورت گرفت، نشان می‌دهد که ارمنیان اعتراض خود را باین قتل‌عام، بصورت مختلف عرضه داشته‌اند و بی‌تردید حزب داشناک، هسته مرکزی و اصلی همه مقاومتهای و دفاع از جان اقلیت ارمنی در سرزمین عثمانی بمنصه بروز و ظهور رسیده است. يك محقق بیطرف می‌نویسد:

«... کشتار همگانی ارمنه که حکومت عثمانی سرمنشاء الهام آن بود، چنان‌گسترش یافت که بصورت قلع و قمع قاطبه این ملت درآمد و شکل انقراض نسل و یا قتل‌عام را بخود گرفت. قتل‌عامهای پی‌درپی ارمنه بدست ترکها موجبات توسعه سازمان انقلابی ارمنی معروف به داشناکها «های هقاپوخاکان داشناکوتیون» (کنفدراسیون انقلابی ارمنه) را فراهم ساخت، تا علیه این کشتارها قیام کنند و در برابر آن ضربات مؤثری بدولت عثمانی وارد سازند. دامنه عملیات داشناکها بسیار وسیع بود و از جمله فعالیتهای سوق‌الجیشی و ضربتی آنان ترور بود. این ترور علیه جان مقامات دولتی عثمانی و تزاری و بیگ‌های کرد که ارمنه آنها را مسئول این قتل‌عامها می‌شمردند طرح‌ریزی می‌شد. منظور سوق‌الجیشی داشناکها از مبادرت به ترور این بود که از جان ارمنه دفاع کرده و درعین حال عاملین این کشتارها را مرعوب سازند و از آنان انتقام بگیرند.»^۱

«ویلیام میلر» مورخ نامدار انگلیسی ، در کتاب خود ، با عنوان «امپراطوری عثمانی و جانشینان آن» ضمن بررسی قتل‌عام ارامنه ، باین نکته اشاره کرده و می‌نویسد :

«وضع داشناک‌ها در برابر عثمانیها از وضعی که لهستانی‌ها در مقابل روسها داشتند براتب وخیم‌تر بود. زیرا دولت عثمانی حتی از حکومت ظالمانه روس‌ها هم مستبدتر و شقی‌تر بود. تعدی و تجاوز مقامات محلی نسبت به جان و مال و ناموس ارامنه پایانی نداشت و آنها اعم از مستخدمین ارشد و غیرارشد و مخصوصاً در روستاها و مناطق بیلاقی خارج از شهرها از قلع و قمع ارامنه دست بردار نبودند.

در هر اوضاع و احوالی ، و در هر گونه تغییر و تبدیل و نقل و انتقالی که در شرایط و مقتضیات مصادر امور روی می‌داد ، اعم از ارتقاء مقام و یا تنزل قدرت آنان ، تعدی و تجاوز فردی و همگانی نسبت باتباع مسیحی همواره مانند يك خطمشی عادی اداری تلقی می‌شد ، و پیوسته چون عارضه‌ای ادواری عود می‌کرد و تعدادی دیگر از آنانرا بخاک هلاکت می‌نشانده.

وضع ارامنه تبعه عثمانی از وضع سایر اقلیتهای آن براتب وخیم‌تر بود. زیرا فی‌المثل اقلیتهای صرب ، یونانی و بلغار لاقلاً می‌توانستند بحمايت و حراست صربستان ، بلغارستان ، و یونان امیدوار باشند ، و بهرحال ملجاء امیدی داشته باشند و یا مثلاً آلبانی‌ها که مردمانی کوه‌نشین و مبارز بودند ، می‌توانستند در دامنه‌های کوهستانها پناه بگیرند و از خود دفاع کنند. قسمت عظیمی از این نفوس اقلیت نیز فی‌الواقع مسلمان بودند و خود را با امپراطوری عثمانی یکی می‌دانستند و جزئی از آن بحساب می‌آوردند و بسیاری از آنان نیز بخدمت در ارتش عثمانی اشتغال داشتند.

در صورتی که ارامنه برعکس کاملاً مستأصل و بلادفاع مانده و از حمایت هیچگونه متحد و متفقى برخوردار نبودند. ملت ارمنی که از استقلال محروم و بی‌نصیب شده بود ، بین عثمانی و روسیه و ایران آواره و سرگردان مانده و مورد تعدی و تجاوز کردها که مردمی ایلاتی و بدوی بودند قرار گرفته بود.^۱

۱ - ارامنه که از دیرباز مورد حمایت ایرانیان بودند ، در این زمان نیز اغلب بخاک این سرزمین پناه آوردند و باید تأکید کرد ، تنها آن گروه از ارمنیان عثمانی که بپادشاهان خود در ایران پیوستند ، از این قتل‌عام جان دربردارند.

حکومت عثمانی نیز از این عمل بهره‌برداری می‌کرد و کردها را علیه ارامنه می‌شوراند و از این راه بازار و ایداء آنان می‌پرداخت.

ارامنه در سال ۱۲۵۷ ش - (۱۸۷۸) به کنگره برلن متوسل شدند و تقاضا کردند تا آنان را در کوششی که برای کسب اصلاحات اداری - در عثمانی بعمل می‌آورند، مورد حمایت قرار دهد. آنها از طریق «مجمع عمومی ملی» خود هیئت نمایندگی کوچکی مرکب از تعدادی نماینده امور مذهبی و مدنی ترتیب داده بودند.

در سال ۱۲۶۸ ش - (۱۸۸۹) چون دولت‌های عثمانی و روس هردو این مسئله را بعنوان «خطر ارمنی» تلقی کردند، آزار و ایداء ارامنه آغاز شد. در ۱۲۷۳ ش - (۱۸۹۴) کشتار همگانی ارامنه در ایالت بیتلیس از سر گرفته شد و کردها با کمک ارتش عثمانی بیست و پنج دهکده ارمنی‌نشین را با خاک یکسان کردند و کلیه ساکنان آنرا بدون استثناء از دم تیغ گذراندند و دست رد برسینه کودک و پیر و جوان گذاشتند.

«پاشا»ئی که فرماندهی این - باصطلاح روسها «پاگروم» - و یا (قتل‌عام منظم) را برعهده داشت مورد تقدیر قرار گرفت و بدریافت مدال و همایل مفتخر شد.

پس از اعتراضی که ارامنه در سال ۱۲۷۴ ش - (۱۸۹۵) در قسطنطنیه بعمل آوردند، کشتار همگانی آنان در پایتخت دنبال شد و بار دیگر قلع و قمع قاطبه ارمنی که توسط مقامات عثمانی ترتیب داده شده بود، به‌میزان وسیع قتل‌عام در آسیای صغیر انجام گرفت. برحسب گزارشهاییکه از منابع انگلیسی بدست آمده است در این کشتار همگانی قریب سی هزار ارمنی برخاک هلاکت افتادند.

در شهریور ۱۲۷۵ - (ماه اوت ۱۸۹۶) پس از اقدام اعتراض‌آمیز ارامنه در قسطنطنیه، کشتارهای همگانی دیگر از ارامنه به‌دستیاری سربازان ارتش و افراد و افسران پلیس ترك بعمل آمد. در این واقعه قریب شش هزار تن از ارامنه بقتل رسیدند. يك سیاستمدار انگلیسی گزارش داد که بنظر می‌رسید «قصده

مقامات عثمانی ریشه‌کن ساختن ارامنه و انقراض نسل آنان» بوده باشد.^۱
 «کشتارهای همگانی، علی‌رغم اعتراض قدرت‌های غربی و بدون آنکه به درخواست آنها وقعی گذارده شود، کماکان ادامه داشت و بهیچ اعتراضی ترتیب اثر داده نمی‌شد. دوباره پس از گذشت دورانی کوتاه و امیدبخش باز با تشکیل «انقلاب ترک‌جوان» کشتار همگانی ارامنه در ۱۲۸۷ ش - (۱۹۰۸) در اادانا دنبال شد.»^۲

«سرانجام در سال ۱۲۹۴ ش - (۱۹۱۵) باز کشتار همگانی ارامنه آغاز شد و بار دیگر افکار عمومی جهان را به لرزه درآورد. این کشتار همگانی را سفیر امریکا «قتل يك ملت» خواند. دولت انگلستان درباره این واقعه سندی بعنوان «طرز رفتار نسبت به ارامنه در امپراطوری عثمانی، ۱۶ - ۱۹۱۵» بسال ۱۲۹۵ ش - (۱۹۱۶) در لندن منتشر ساخت. تبعید قاطبه ارامنه بفرمان دولت با کشتارهای تازه، همگانی و فجیع این نفوس بلادفاع بیچاره و بیگناه دنبال شد.»^۳

این بود شرایط اجتماعی و سیاسی که موجب پیدایش نهضت دانشناک‌های ارمنی شد و به تاکتیکیهای انقلابی ترور و اقدام مستقیم دانشناک‌ها علیه عثمانی منجر گشت.

وضع تحمل‌ناپذیر زندگی ارامنه تحت یوغ سلطنت و حزب دانشناک حکومت آل عثمان و چند کشتاری که پیدایش التهاب انقلاب در میان دانشجویان دانشگاهی در روسیه موجب شد، تا عده‌ای دانشجوی مختلف ارمنی در تابستان ۱۲۶۹ ش - (۱۸۹۰) گرد یکدیگر جمع شوند. بدین طریق حزب دانشناک با مساعی کریستوفر میکائیلیان، سیمون زاواریان، و استپان زوریان که پایه‌گذاران اصلی آن بودند، در آبان ۱۲۶۹ ش - (اکتوبر ۱۸۹۰) تأسیس شد. منظور اصلی کلیه افرادی که با سوابق اجتماعی متفاوتی در این حزب متشکل شده بودند فقط يك چیز بود و آن اینکه

۱ - امپراطوری عثمانی و جانشینانش - تألیف «ویلیام میلر» - چاپ ۱۹۳۶ - دانشگاه کبریج - صفحات ۴۲۶ تا ۴۳۰

۲ - همان مأخذ - ص ۴۸۱

۳ - همان مأخذ - صفحات ۴۸۱ و ۴۸۰ و ۵۳۸

بتوانند ارمنستان عثمانی را آزاد سازند و کشور مستقلی برای ارمنه فراهم سازند.^۱ میکائیلیان و همسرش که مؤسسين حزب داشناک بشمار می‌روند ، قبلاً عضو «نارودنیاولیا» (اراده مردم)^۲ بودند. حزب داشناک از استقلال ارمنستان حمایت کرد و بطرح يك برنامه سوسیالیستی و دموکراتیک پرداخت. اقدام مستقیم فقط جزئی از فعالیتهای سوق الجیشی و ضربتی سیاسی آن بود. تاکتیک - های ترور ممکن است مولود تجاربی که میکائیلیان در سازمان انقلابی روسی «اراده مردم» به دست آورده بود ، باشد.

میکائیلیان طرفدار ترور کسانی بود که مسئولیت کشتارهای همگانی ارمنه را برعهده داشتند. لذا داشناکها باتفاق سازمان انقلابی مقدونی «ایمرو» نقشه قتل سلطان عبدالحمید را طرح کردند. ولی میکائیلیان در بلغارستان هنگامی که مشغول آزمایش مواد منفجره بود در سال (۱۹۰۵) کشته شد. سوء قصد ناموفق انقلابیون ارمنی علیه جان سلطان عبدالحمید نیز در سال (۱۹۰۵) انجام گرفت. داشناکها همانطور که قبلاً اشاره شد فعالیتهای چریکی را نیز از سال (۱۸۹۷) علیه دستجات متعددی کرد رهبری می‌کردند. فعالیتهای انقلابی مستقیم آنان دو هدف عمده داشت : یکی مجازات کسانی که مرتکب جنایات ضد ارمنی می‌شدند ، و دیگر دفاع در برابر کردها و عثمانی‌هاییکه ارمنه را مورد زجر و شکنجه قرار می‌دادند. علاوه بر اینها حزب داشناک امیدوار بود قدرت‌های اروپائی و دولت عثمانی را تحت تأثیر قرار دهد و نیازهای اصلاحات اداری ، حقوق مدنی و حمایت از ارمنه را بدین ترتیب تأمین کند.^۳

تروریست‌های داشناک تا اوائل دهه (۱۹۲۰) کسانی را که مسئول قتل‌عام ارمنه می‌شمردند ، بقتل می‌رساندند. آنها ترور را تحت شرایط خاص تجزیه کردن امپراطوری ترك و اذیت و آزار همه مسئولان ، گسترش بخشیدند. از

۱ - از رساله فوق لیسانی و منتشر نشده «دوران سازندگی حکومت ارمنی» اثر «آراکاپریلیان» مورخ اول دسامبر ۱۹۶۶ اداره فارغ التحصیلی دانشکده «سیتی کالج» دانشگاه «سیتی نیویورکی» نیویورک، و همچنین «سرمنشاء این فدراسیون انقلابی ارمنی» پایان نامه تقدیمی «آراکاپریلیان» به سمیناری درباره نهضت های اجتماعی روس و اروپای شرقی ، گراچویت اسکول - دانشگاه نیویورک - مورخ دسامبر ۱۹۶۷ .

۲ - این تشکیلات که در روسیه تزاری ، قبل از قدرت گرفتن حزب کمونیست بوجود آمده بود ، برخلاف کمونیستها ، تکیه خود را بر دهقانان نپناهده بود و بچندین شورش ناموفق دهقانی و چند ترور انفرادی دست زد . آنان را «نارودینکها» یسا (خقیون) می‌خواندند .

۳ - پایان نامه «سرمنشاء فدراسیون انقلابی ارمنی» اثر «آراکاپریلیان» - مورخ دسامبر ۱۹۶۷ دانشگاه نیویورک - صفحه ۴۱

اقدامات آنان در میان ارمنه حمایت معنوی دامنه‌داری بعمل می‌آمد.
 داشناکها بعداً پس از سال (۱۹۱۸) در دولت جمهوری ارمنستان که عمرش
 بسیار کوتاه بود، نقش مهمی ایفاء کردند. جمهوری ارمنستان را مآلاً شوروی
 متصرف شد و آن را ضمیمه خود ساخت.

اقدامات تروریستی لهستانیها و ارمنه تحت شرایط
 تاریخی کاملاً متفاوتی، در محیط اجتماعی - سیاسی
 بسیار مختلفی گسترش یافت. معذراً این دو نهضت
 دارای وجوه تشابه و مختصات مشترکی نیز بودند:

مقایسه تاکتیک‌های
 تروریستی لهستانیها
 و ارمنه

هر دو نهضت علیه يك دولت اجنبی و ستمگر مبارزه می‌کردند. و همینطور
 ترور فقط یکی از عوامل سیاست کلی سوق‌الجیشی و ضربتی هر دو نهضت
 بود ولی فعالیتهای تروریستی و چریکی داشناکها مدتی بمراتب بیش از فعالیتهای
 مشابه لهستانی‌ها دوام داشت و بالغ بر ربع قرن طول کشید.

این همه قتل‌عام، کشتار و جنایات دسته‌جمعی چندان هم
 بی‌جواب نماند. ارمنه عثمانی، پس از نخستین یورش -
 انتقام جنایات
 های افراطیون و پشت سر نهادن غافلگیری‌های نخستین
 در صدد مقابله برآمدند.

گفتیم که در دوران کشتارهای بزرگ، ارمنه عثمانی در دو محل در
 برابر قشون عثمانی و دژخیمان قتل‌عام دست بمقاومت زدند. پس از پایان قتل‌عام
 و سرنگون شدن حکومت سلطنتی عثمانی و برقراری جمهوری، ارمنه‌ای که
 در اطراف جهان پراکنده شده بودند، بخصوص باقیمانده ارمنی‌های فراری
 از عثمانی در صدد انتقام‌جوئی و ترور عاملین اصلی قتل‌عام و کشتار بیرحمانه
 ارمنه برآمدند. از ترورهای سیاسی که ارمنیان بانتقام قتل‌عام دومیلیون و نیم
 ارمنی انجام دادند، در زبانهای ارمنی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی داستانهای
 بسیاری وجود دارد. اما برای اینکه سخن بدرازا نکشد در اینجا فقط به چند
 ترور مهم اشاره می‌کنیم:

۱ - نخستین بار که ارمنه از یکی از عوامل قتل‌عام انتقام گرفتند، در

ترکستان روس در شهر تاشکند بود. بطوریکه قبلاً گفته شد «انورپاشا» وزیر جنگ و پیشوای خیالی «عثمانی بزرگ» که از نژاد پرستان بنام فرقه «ژون ترک» بود، برای ایجاد «عثمانی بزرگ» با عده‌ای از سپاهیان خود، به ترکستان لشکر کشید تا این سرزمین را نیز جزئی از متصرفات عثمانی و «عثمانی بزرگ» سازد ولی قبل از اینکه نقشه بلندپروازانه او عملی گردد دست انتقام گریبان وی را گرفت و یکی از ارامنه بنام «آقایگ اف» او را دستگیر ساخت و سراز بدنش جدا کرد.

۲- دومین نفری که گرفتار «انتقام» ارمنی‌ها شد، جمال‌پاشا بود. او که بعد از «طلعت وانور» عامل اصلی جنایات بود، در تفلیس بدست دو نفر از تروریست‌ها به نام‌های: پطروس تر بوغوسیان و ارتاشس گورکیان به قتل رسید. جالب اینکه اودر تفلیس در کوچه «پترکبیر» و درست روبروی سازمان جاسوسی و ضد جاسوسی روسیه «چکا» و درحالیکه دو نفر از محافظین مسلح او را همراهی می‌کردند، بقتل رسید.

۳- سومین نفری که ترور شد «خان خویتسکی» نخست وزیر آذربایجان بود که در سال ۱۲۹۹ ش - (۱۹۲۰) بدست «آرام یرگانیان» کشته شد.

۴- در همین سال «عباس بیگ اف» هم که در کشتار ارمنیان مقام و مأموریت «درجه دوم» داشت، بدست یرگانیان کشته شد.

۵- پنجمین نفر، که ترور او با محاکمه بزرگی پایان یافت «طلعت پاشا» بود. اودر قتل‌عام مقام اول داشت و همه دستورات با امضای او هنوز باقیمانده است. او بعد از سرنگون شدن «سلطنت عثمانی» و پایان یافتن حکومت حزب (اتحاد و ترقی) و «ژون ترکها» به برلین رفت و در آنجا بطور ناشناس زندگی می‌کرد.

قاتل او «سوقومون تهلیریان» نام داشت که در روزهای قتل‌عام بزرگ، مجروح شده و از بیابانی که چندین هزار نفر در آن افتاده بودند، بطور معجزه- آسائی نجات یافت. او درد ادگاهی که محاکمه می‌شد گفت: «وقتی بهوش آمدم، در چند قدمی ام، مادرم، پدرم، برادر و خواهرانم را غرق در خون و مرده یافتیم، با زحمت فراوان خودم را از گورستان - بدون گور- کشته شده‌ها نجات دادم و با پوشیدن لباس عثمانیها مدتی بطور ناشناس و با نام مستعار زندگی

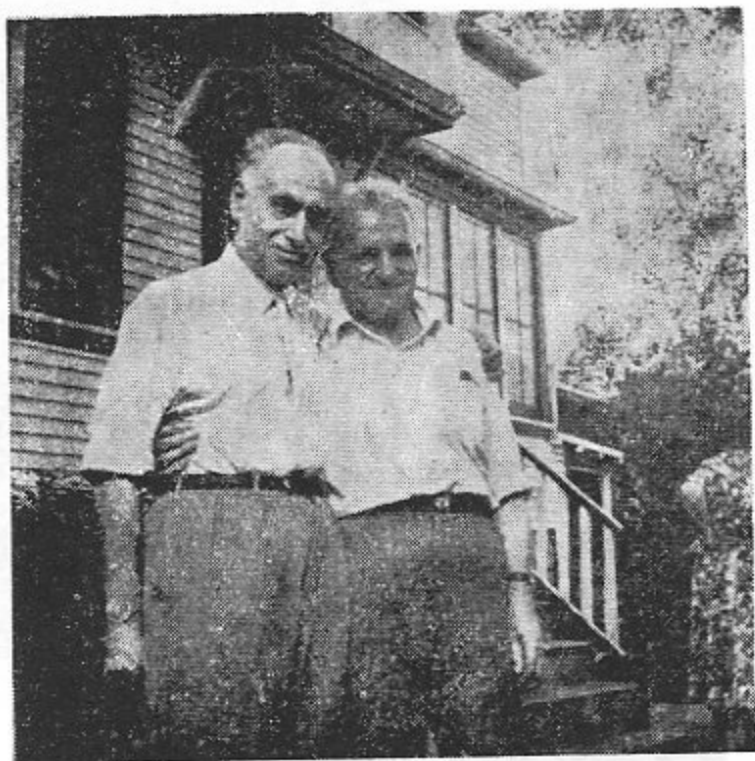
می‌کردم و سرانجام توانستم از عثمانی فرار کنم. وقتی با آلمان رسیدم، مدتها به دنبال مخفی‌گاه طلعت‌پاشا گشتم. با اینکه خانه و مخفیگاه چند عامل قتل‌عام را پیدا کرده بودم با این حال، در جستجوی طلعت‌پاشا، شهرهای آلمان را زیر پا گذاشتم سرانجام او را در برلن یافتیم. روبروی خانه‌اش اطاقی کرایه کردم و چند روز متوالی، ساعات ورود و خروج او را تحت نظر داشتم. و بالاخره در روز ۲۱ مارس ۱۹۲۱ (اول فروردین ۱۳۰۰) همینکه از خانه مجلل و باشکوهش خارج شد، او را چند قدم تعقیب کردم. وقتی بیک قدمی‌اش رسیدم، از پشت دستی بشانه‌اش زده او را با نام صدا کردم. همینکه برگشت و رو در رویم قرار گرفت باو گفتم «گورکن کیف بایست روز آخر عمرت رسیده است» و بدون اینکه باو مهلت بدهم با چند گلوله بزندگیش خاتمه دادم. وقتی بزمین افتاد ناگهان بایک شیرفروش آلمانی روبرو شدم، او گفت: «چرا او را کشتی؟» در جوابش گفتم او قاتل چند صد هزار ارمنی است. شیرفروش خیال می‌کرد من دیوانه شده‌ام، ولی وقتی پیشنهاد کردم که با اتفاق به نزدیکترین کمیساریا برویم، او سب‌شیرها را بزمین گذاشت و همراهم به کمیساریا آمد و بافسر کمیسری گفت «او قاتل است و مردی را در جلو چشمانم کشته است». من بلافاصله انجام قتل را قبول کرده و گفتم، آنچه او می‌گوید صحیح است و اضافه کردم: «من طلعت‌پاشا وزیر داخله عثمانی را که مسبب کشتار چند صد هزار ارمنی است، کشته‌ام ...».

افسر کمیساریا، دستور بازداشت مرا داد. همینکه خبر ترور در آلمان منتشر شد، اکثر ارامنه سرشناس بزرگان آمدند و آمادگی خود را برای هرگونه کمک اعلام کردند ...»

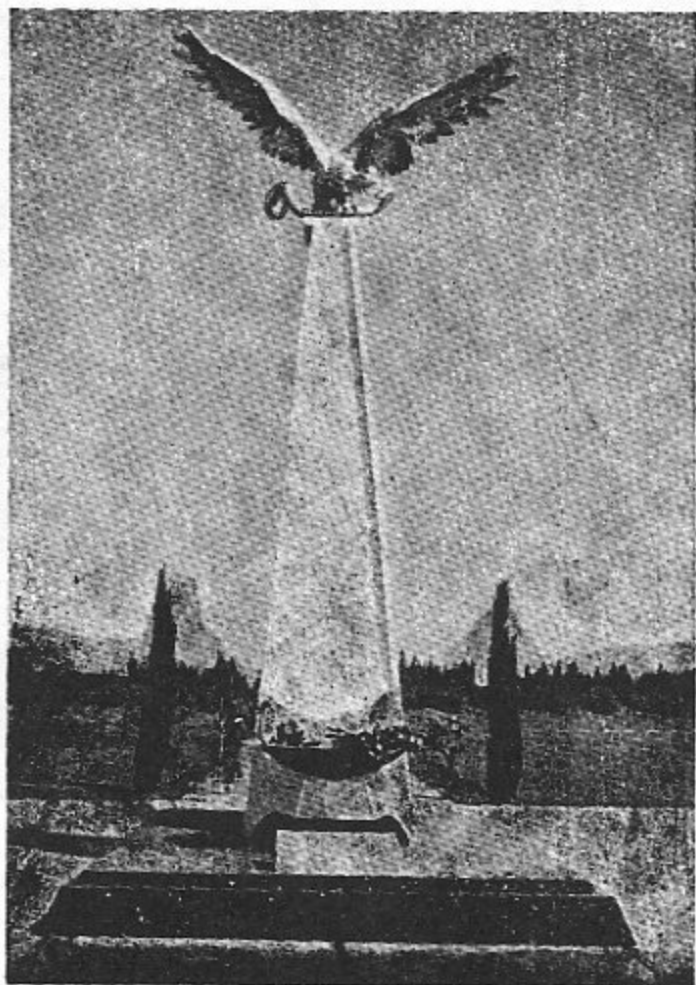
پس از دستگیری «سوقومون‌تهلیریان» دادگاه شماره ۳ استان برلن پرونده «سوءقصد» و «قتل‌عمد» طلعت‌پاشا را مورد رسیدگی قرار داد. در دادگاه پس از آنکه ضارب و وکیل مدافع اظهاراتی کردند، یکی از کشیشان آلمانی که در دوران قتل‌عام بزرگ یک میلیون و پانصد هزار نفری در عثمانی برمی‌برد و بعلت اینکه دولت آلمان با قتل‌عام موافق بودمی توانست همه اطلاعات لازم را در اختیار داشته باشد، بدادگاه احضار شد. او چند روز همه مشهودات و اطلاعات عینی خود را با اطلاع اعضای دادگاه و هیئت منصفه رسانید. وقتی وی



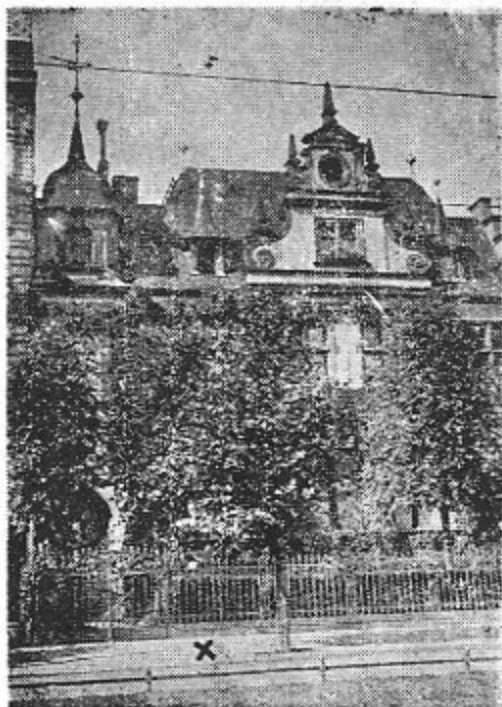
چهار نفر از تروریست‌های معروف ارمنی که با نیت‌تمام قربانیان، سران عثمانی و مرتکبان قتل عام ارمنه را کشتند .
- از چپ بر است عبارتند از : ارشایر شیراگیان - آرام یرگانیان - میساک تورلاکیان - سوقومن تهلیریان .



تهلیریان و میساک، دو تن از تروریستهای ارمنی که پس از قتل عام و کشتار فجیع
ارمنه بخاطر انتقام دست به قتل سران عثمانی زدند .



تهلیریان ، فدائی معروف ارمنی ، که بخاطر انتقام از سران عثمانی جان خود را بخطر افکند پس از مرگ مورد تجلیل فراوان قرار گرفت . این عکس از بنای یادبود اوست و جنازه اش در شهر «فرزنو» (ایالات متحده آمریکا) بخاک سپرده شده است .



در برابر این خانه (ساختمان شماره ۱۷)
در خیابان هاردبرگ برلین بود که
طلعت پاشا، یکی از مسئولان مستقیم
کشتار ارمنه، بدست یک تروریست
ارمنی بمتل رسید.



سوقومون تهلیریان، کسی که با
نشان دادن عکس العمل در برابر کشتار
ارمنه، نام خود را در تاریخ این
ملت جاودان ساخت.

جزئیات قتل را شرح می‌داد، عده‌ای از اعضای دادگاه و هیئت منصفه بگریه افتاده بودند و اشک می‌ریختند. سرانجام هیئت منصفه وارد شور شد و روز سوم ژوئن (۱۱ خرداد ۱۳۰۰) دادگاه مذکور رای زیر را صادر کرد:

رای دادگاه :

رئیس دادگاه از رئیس هیئت منصفه سؤال می‌کند: «آیا متهم سوقومون-تهلیریان که در تاریخ ۵ مارس ۱۹۲۱ (۲۶ اسفند ۱۲۹۹) در ناحیه شارلوتنبورگ آلمان آگاهانه و با قصد قبلی اقدام به قتل طلعت‌پاشا کرده است، مقصر است؟»

اتوراینیکه رئیس هیئت منصفه در جواب رئیس دادگاه گفت: خیر.

رئیس دادگاه: من بدینوسیله رای صادره را امضاء و از منشی دادگاه، تقاضا دارم تا پس از امضاء آن را قرائت کند. و منشی رای دادگاه را بشرح زیر قرائت می‌کند:

«متهم بدینوسیله بی‌گناه اعلام می‌شود و مصارف دادگاه از محل صندوق دولتی کارسازی می‌شود.

بموجب رای هیئت منصفه متهم بسبب قتلی که مرتکب شده است، مقصر نیست بنابراین تصمیم متخذ دربارۀ زندانی نمودن متهم نیز ملغی است.»

و بدین ترتیب پرونده ۲۱ - ۲۲ C.J. دادگاه شماره سه استان برلن در سال ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ شمسی) مختومه اعلام شد.^۱ تهلیریان که در سال ۱۸۹۶ (۱۲۷۵ شمسی) متولد شده بود، پس از آزادی بامریکا رفت و در سانفرانسیسکو زندگی می‌کرد. او در ۲۳ می ۱۹۶۰ در این شهر درگذشت. آرامنه با جلال و شکوه فراوان او را بشهر «فرزنو» - که عده زیادی از آرامنه در آنجا زندگی می‌کنند - بردند و بخاک سپردند. بر روی قبر او یادگاری نصب شده که بر بالای آن مجسمه عقابی با بالهای گسترده و درحالیکه ماری بمنقار کشیده، دیده می‌شود.^۲

۶ - ششمین دژخیم قتل‌عام که ترور شد «سعید حلمی پاشا» بود. او که از همکاران نزدیک طلعت‌پاشا بشمار می‌رفت، بایتالیا فرار کرد و در رم مشغول عشق‌بازی بود.

۱ - محاکمه طلعت‌پاشا - چاپ وین اتریش - ۱۹۲۱ - ص ۳ و ۲۱۰
 ۲ - تقویم سال ۱۹۷۰ چاپخانه مدرن تهران

بعد از ترور طلعت‌پاشا ، یکی از جوانان ارمنی فراری بنام « ارشاوز - شیراگیان» از عثمانی بایتالیا رفت ودر جستجوی سعید حلیمی پاشا بود. سرانجام در روز ۱۳ آذر ۱۳۰۰ - ش (ششم دسامبر ۱۹۲۱) او را پیدا کرد و با ترور به زندگیش پایان داد.

۷ - هفتمین و هشتمین عاملین قتل عام که در يك رز ودر حالی که با خانم طلعت پاشا در برلین در حرکت بودند ، کشته شدند ، بهالدین شکیرو پاشا و عظیم پاشا بودند . این دو نفر روز ۲۶ فروردین ۱۳۰۱ - (هفدهم آپریل ۱۹۲۲) با روبرو شدن با آرام‌یرگانیان و ارشاوز شیراگیان ترور شدند .

۸ - نهمین نفری که ترور شد «بهبودخان جوانشیر» وزیر کشور آذربایجان در دوران اشغال عثمانیها بود . او که در قتل عام ارمنیان در آن سرزمین بیداد کرده بود ، ۲۵ تیر ۱۳۱۰ - (۱۹ ژوئیه ۱۹۳۱) در اسلامبول بدست «میساک - تورلاکیان» کشته شد. گرچه مأموران ترکیه او را دستگیر کردند ، ولی با وساطت انگلیسها موفق شدند ، نجات پیدا کنند. ۱

